

کشتی حضرت نوح علیه السلام از منظر قرآن کریم و روایات

محمد حسین صالح آبادی^۱

چکیده

داستان توفان نوح و کشتی نجات از مشهورترین داستان‌های تاریخی و مذهبی است که جاذبه فراوانی دارد. درباره این جریان بزرگ، مطالب گوناگونی گفته شده است. مذهبی بودن داستان، مخاطب کنجکاو را به سوی کارشناسان آشنا با متون دینی سوق می‌دهد. از این رو جمع‌بندی مطالب برآمده از متون دینی، جهت پاسخ‌گویی بدین نیاز، امر لازمی است که این پژوهش عهده‌دار آن است. در این نوشتار، ماجرای کشتی حضرت نوح علیه السلام از منظر قرآن کریم و روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد و مطالبی مثل نمادسازی برای عبرت‌گیری همیشگی به عنوان فلسفه توفان نوح و نحوه ساخت کشتی، مسافران کشتی، زمان حرکت و محل فرود آمدن آن، از این دو منبع دینی، استخراج و گزارش شده است. نتیجه بررسی این متون حکایت می‌کند که مشیت الهی در ماجرای نوح و کشتی نجات او، پدید آوردن یک سازه فرهنگی در حافظه تاریخی بشر و ساخت نمادواره عبرت‌انگیزی، برای تمام نسل‌هاست.

واژگان کلیدی

توفان نوح، جودی، مسجد کوفه، کشتی نجات، معارف قرآن و حدیث

درآمد

درباره توفان و کشتی نوح، آثار فراوانی به نگارش درآمده است. جست‌وجوی ساده اینترنتی، فهرستی از آثار گوناگون در این خصوص را، در اختیار کاربر قرار می‌دهد. داستان نوح و توفان و کشتی او، پیوسته جاذبه داشته و تقاضا برای آگاهی از آن، خاستگاه نگارش‌های گوناگونی شده است. هر کدام از این نگارش‌ها به تناسب مخاطب و گرایش خاص نویسنده، به این موضوع پرداخته و

۱. پژوهشگر حوزه علمیه قم.

بخشی از ماجرا را برجسته کرده‌اند. هر یک از این نگاه‌ها پاسخگوی برخی از پرسش‌های مخاطبان است.

از سوی دیگر، مذهبی و الهی بودن داستان، مخاطبان را به سوی کارشناسان دینی می‌کشاند تا با بهره‌گیری از کاوش‌های خود در متون دینی، به پرسش‌های مرتبط پاسخ گویند.

این نوشتار در صدد برآمده تا ماجرای کشتی نوح را از منظر قرآن کریم و حدیث مورد بررسی قرار دهد و انتظار آن دسته از مخاطبان که خواهان آگاهی از ماجرا با خوانش متون دینی هستند را برآورده کند. از این رو، مجموعه‌ای از متون مرتبط، گردآوری و سپس دسته‌بندی شد. به نظر می‌رسد ارائه محتوای این متون در قالب یک نوشتار مستند به متون دینی و دوری از پرداختن به سایر خوانش‌ها در این زمینه، اطلاعات مورد نیاز مخاطبان یادشده را فراهم کرده و آنها را در ارزیابی اطلاعات گوناگون پیرامون کشتی نوح، کمک خواهد کرد.

بدین ترتیب، امتیاز این نوشتار، سامان یافتن آن از متون دینی و به تماشا نشستن سرگذشت کشتی نوح (یا کشتی نور)، از منظر دین است. کشتی نوح به عنوان نماد نجات اهل حق و هلاکت اهل باطل، مورد توجه متون دینی قرار گرفته و به گونه‌های مختلفی در آیات و روایات از آن سخن رفته است. مجموعه این متون ذیل عناوین زیر قابل دسته‌بندی است:

فلسفه توفان و ساخت کشتی و پیام‌های آن، چگونگی ساخت و اندازه آن، مدت زمان ساخت کشتی، زمان و مکان حرکت کشتی، سرگذشت کشتی در مدت زمانی که روی آب بوده، مسافران کشتی، مکان و زمان پهلو گرفتن کشتی، اسباب نجات کشتی از غرق.

نوشتار حاضر، مطالب مرتبط با کشتی نوح در آیات و روایات را تحت همین عناوین، ارائه و بررسی می‌کند.

الف) فلسفه توفان و ساخت کشتی و پیام‌های آن

بر اساس آیات قرآن کریم امت‌های بسیاری بر اثر سرکشی، ظلم و تکذیب پیامبران، دچار عذاب و هلاک شدند. عذاب هر کدام از این اقوام، به گونه‌ای خاص بود. در این میان، عذاب قوم نوح، با توفان سراسری بود. قرآن کریم بر خلاف تورات، کمتر به قصه‌گویی پرداخته و بیشتر با تکیه بر اطلاعات اجمالی مخاطبان از داستان‌های انبیاء، بر پیام‌های قضایا تأکید می‌کند. در قرآن کریم، بیش از همه، موضوع «آیه» و «نشانه بودن» سرگذشت پیشینیان برای پندگیری و عبرت‌آموزی مورد توجه قرار گرفته است. این روش در ماجرای توفان و کشتی نوح، پُررنگ‌تر است؛ زیرا قوم نوح

نخستین گروهی بودند که به خاطر سرکشی و کفر، عذاب شدند و عذاب آنها به گونه‌ای بود که اکثر افراد را هلاک کرد و نسل بشر از مؤمنان نجات‌یافته در کشتی، تداوم یافت. این بدان معناست که این واقعه در حافظه تاریخی بشر، ثبت شده و کشتی نوح به نماد پندگیری تبدیل شده است. بنابراین قضیه توفان، یکی از بهترین و فراگیرترین نشانه‌ها و آیه‌های الهی برای عبرت‌گیری است. از این رو به نظر می‌رسد گزینش این نوع عذاب برای نخستین جامعه سرکش، با حکمت پدیدآوردن یک نماد همیشگی برای پندگیری نسل‌های بشری و نهادینه کردن آن بوده است. آیه ذیل، گویا به همین مطلب نظر دارد:

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَ نَعِيهَا أُذُنًا وَاَعْيَةً.^۲

تا آن کشتی را وسیله تذکری برای شما قرار دهیم و گوش‌های شنوا آن را دریابد و بفهمد.

برخی آیات دیگر نیز، بدین مطلب، دلالت دارند مانند:

وَ قَوْمَ نوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَ جَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً
وَ أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا.^۳

و قوم نوح را هنگامی که رسولان (ما) را تکذیب کردند غرق نمودیم و آنان را درس عبرتی برای مردم قرار دادیم و برای ستمگران عذاب دردناکی فراهم ساخته‌ایم.

آیه دیگر چنین است:

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَ جَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ.^۴

ما او و سرنشینان کشتی را رهایی بخشیدیم و آن را آیتی برای جهانیان قرار دادیم.

همچنین در آیه‌ای دیگر آمده:

۲. الحاقه، ۱۲.

۳. الشعراء، ۳۷.

۴. العنكبوت، ۱۵.

وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ٥

ما این ماجرا را به عنوان نشانه‌ای در میان امت‌ها، باقی گذاریم آیا

کسی هست که پند گیرد؟

این ماجرا و عبرت‌گیری از آن، به گونه‌های دیگری نیز، مورد تذکر قرآن کریم قرار گرفته است. گاهی تذکر پیامبری چون شعیب^۶ به مردم عصر خود درباره عبرت‌گیری از سرنوشت قوم نوح، انعکاس یافته و گاهی خود قرآن مستقیماً به کافران و ستم‌پیشگان عصر نزول، ماجرای عذاب قوم نوح را گوشزد می‌کند.^۷ در قضیه مؤمن آل فرعون، مشاهده می‌شود که وی به آل فرعون گوشزد می‌کند تا از سرنوشت اقوامی چون قوم نوح، عاد، ثمود و اقوام هلاک شده پس از آنان، عبرت گیرند. آل فرعون با این که مشرک بودند، از هلاکت قوم نوح، عاد و ثمود آگاهی داشتند و ماجرای هلاکت این اقوام، بخشی از اطلاعات تاریخی آنان بود. از این رو کسی چون مؤمن آل فرعون می‌توانست با تکیه بر چنین اطلاعاتی، آنان را پند دهد.^۸

پیام‌های دیگری نیز از توفان نوح در قرآن کریم به چشم می‌خورد؛ مانند این که عذاب شوندگان به خاطر «تکذیب آیات و نشانه‌های الهی»،^۹ «ستم پیشگی»^{۱۰} و «گناهای»^{۱۱} دچار عذاب شده‌اند و نجات یافتگان به خاطر «نیکوکاری»^{۱۲} و «ایمان به نوح»^{۱۳} مورد رحمت خدا واقع شده و نجات یافته‌اند.

۵. القمر، ۱۵.

۶. وَ يَا قَوْمِ لَا يُجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نوحٍ أَوْ قَوْمِ هودٍ أَوْ قَوْمِ صالحٍ وَ مَا قَوْمِ لوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ. (هود، ۸۹) و شعیب گفت: ای قوم من، دشمنی و مخالفت با من سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح گرفتار شدند، گرفتار شوید و قوم لوط از شما چندان دور نیست.

۷. أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبِيُّ الْآدِينِ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نوحٍ وَ عادٍ وَ ثمودٍ وَ قَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَ اصحابِ مَدِينٍ وَ الْمُؤْتَفِكَاتِ أَنْتُمْ رَسُولُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ. (التوبة، ۷۰) آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند به آنان نرسیده؛ یعنی خبر قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین [قوم شعیب] و شهرهای زیر و رو شده [قوم لوط] که پیامبران‌شان با دلایل روشن به سوی آنها آمدند [ولی نپذیرفتند] خداوند به آنها ستم نکرد، اما خودشان بر خویشان ستم می‌کردند.

۸. وَ قَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ. مِثْلَ ذَابِ قَوْمِ نوحٍ وَ عادٍ وَ ثمودٍ وَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ. (غافر، ۳۰ - ۳۱) آن که ایمان آورده بود، گفت: ای قوم من، بر شما از آن چه بر سر آن اقوام دیگر آمده است، بیمناکم. همانند قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که از آن پس آمدند. حال آن که خدا برای بندگان خواهستار ستم نیست.

۹. آیاتی که بر این مطلب دلالت دارند، عبارتند از: الاعراف، ۴؛ یونس، ۳؛ الفرقان، ۳۷؛ القمر، ۱۳ - ۱۶.

۱۰. آیاتی که بر این معنا دلالت دارند، عبارتند از: هود، ۴۷؛ المؤمنون، ۲۷ - ۲۸؛ العنکبوت، ۱۴.

۱۱. نوح، ۲۵.

۱۲. الصافات، ۷۵ - ۸۲.

۱۳. آیاتی که بدین مطلب دلالت دارند، عبارتند از: الاعراف، ۶۴؛ یونس، ۷۳؛ هود، ۴۰ و ۴۳؛ المؤمنون، ۲۷؛ الشعراء، ۱۱۸ - ۱۲۰؛ العنکبوت، ۱۵.

از سوی دیگر، برخی گزاره‌های تاریخی حکایت از آن دارند که در حافظه تاریخی ملت‌ها چنین نمادی وجود داشته و دارد. در تورات و قرآن، یعنی دو متن دینی پرتطرفدار، به ماجرای توفان نوح و ساخت کشتی پرداخته شده است. این بدان معناست که دست کم، پیروان سه دین آسمانی یهودیت، مسیحیت و اسلام، یعنی جمعیتی بیش از نصف جمعیت جهان امروز، از این ماجرا آگاهند.

نمادبودن کشتی نوح تنها به حوزه «ادیان ابراهیمی» محدود نمی‌شود، بلکه در فرهنگ ملل مختلف پیش از موسی عليه السلام نیز نشانه‌های آن، دیده می‌شود.

درباره توفان نوح، بیش از ششصد نوع افسانه و داستان گوناگون در میان اقوام و ملل باستانی رواج دارد که در چهار گوشه دنیا نسل به نسل به ارث رسیده است. افسانه‌هایی از این دست که در طول قرن‌ها، در حافظه تاریخی نسل‌ها و اقوام بشر، جای گرفته‌اند نشان از آن دارند که این فاجعه، سیلی عالم‌گیر، بوده است.^{۱۴}

در بین اقوام کهن چون بابلی‌ها و سومری‌ها که سطوح مختلفی از فرهنگ‌ها و ادیان و مذاهب بشری را شامل می‌شوند، گزارش‌های بسیاری وجود دارد که توفان را نتیجه گناه و یا خطای مذهبی انسان تلقی کرده‌اند.^{۱۵}

نتیجه آن که هرچند در برخی از این داستان‌ها، افزودنی‌هایی وجود دارد و حتی گاهی به داستان جدیدی تبدیل شده، اما وجه مشترک آنها عذاب شدن انسان‌های سرکش و شرور در اثر توفان و نجات انسان‌های شایسته و گروهی از حیوانات از طریق سوار شدن بر کشتی است.^{۱۶} این مضمون، نمادبودن کشتی نوح برای عبرت‌گیری انسانها را نشان می‌دهد؛ چیزی که قرآن کریم در آیه شریفه «لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذَكَّرَةً وَ تَعْيَهَا اُدْنُ وَاَعْيَةٌ»^{۱۷} بدان پرداخته^{۱۸} و در دیگر آیات بر آن تأکید کرده

۱۴. توفان نوح در اساطیر بین النهرین و تورات، مجله هفت آسمان، ش ۶، ص ۱۶۵.

۱۵. توفان نوح در اساطیر بین النهرین و تورات، مجله هفت آسمان، ش ۶، ص ۱۶۵.

۱۶. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان ذیل آیات ۳۶ تا ۴۹ سوره هود به تفصیل درباره داستان نوح در قرآن و تورات بحث کرده و با اختصاص بخشی با عنوان «در تواریخ و اسطوره‌های سایر ملل درباره طوفان چه آمده است؟» بازتاب ماجرای طوفان در فرهنگ ملل دیگر را انعکاس داده است. (ن. کنه تفسیر المیزان: ج ۱۰، ص ۲۵۸)

۱۷. الحاقه، ۱۲.

۱۸. ابن عطیه در تفسیرش (ج ۳، ص ۱۷۶) می‌نویسد: «و فی الحدیث ان النبی قال: لقد بقی منها شع ادرکه اوائل هذه الامة.» عبد الرزاق الصنعانی نیز در تفسیر خود (ج ۳، ص ۳۶۰) آورده است: «عن قتادة فی قوله تعالی: و لقد ترکناها آیه، قال: ابقی الله

است. شاید توجه به این واقعیت است که باعث شده تا پیامبر ﷺ اهل بیت خود را به کشتی نوح تشبیه کنند و آنان را سفینه نجات معرفی کنند.

(ب) چگونگی ساخت کشتی و اندازه آن

ساخت کشتی نوح در قرآن کریم پردازش‌های مختصری دارد. آیات کریمه بیشتر به اصل دستور ساخت کشتی و این که تحت نظر الهی بوده، پرداخته‌اند. همچنین این واقعیت، مطرح شده که کفار به هنگام ساخت کشتی، حضرت نوح علیه السلام را مسخره می‌کردند.^{۱۹} این رویه، در راستای توجه دادن قرآن کریم به پیام‌های داستان انبیاست نه حواشی و پیرایه‌های آن. از این رو، بر خلاف تورات - که به تفصیل، نحوه ساخت و اندازه کشتی را بیان کرده - آشکارا نسبت به داستان‌سرای، بی‌اعتنایی کرده و تأکید می‌کند که ما نوح را بر چیزی که دارای تخته و میخ بود سوار کردیم.^{۲۰} این تعبیر، گویای آن است که جزئیات ساخت کشتی چندان مهم نیست؛ بلکه اصل ماجرا که او به همراه مؤمنان با کشتی از توفان عظیم، رهایی یافت و کافران و منکران غرق شدند، مهم است.

با این حال، از تعبیری که قرآن به کار برده و اشاراتی که دارد می‌توان اجمالاً به مطالبی پی برد. این در حالی است که روایات از تفصیل بیشتری برخوردارند؛ شاید از آن رو که پرسش‌ها از معصومان علیهم السلام، متفاوت بوده و آن بزرگواران بدان پاسخ داده‌اند. در ادامه، به نحوه ساخت کشتی از منظر آیات و روایات تحت عنوان ذیل، پرداخته شده است؛

سفینه نوح علی الجودی حتی ادرکها اوائل هذه الامة. «این بدان معناست که برخی بقایای کشتی تا زمان صدر اسلام باقی مانده بوده است.»

۱۹. وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِاعْيُنِنَا وَ وَحِينَا وَ لَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِقُونَ. وَ يَصْنَعُ الْفُلْكَ وَ كَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنِّي فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ. (هود، ۳۷ - ۳۸) و با نظارت ما و [بر اساس] وحی ما کشتی را بساز و با من درباره کسانی که ستم کرده‌اند، سخن مگو که یقیناً آنان غرق شدنی هستند. و [نوح] کشتی را می‌ساخت و هرگاه گروهی از [اشراف و سران] قومش بر او عبور می‌کردند، او را به مسخره می‌گرفتند. گفت: اگر شما ما را مسخره می‌کنید، مسلماً ما هم شما را [به هنگام پدید آمدن توفان] همان‌گونه که ما را مسخره می‌کنید، مسخره خواهیم کرد. فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحِينَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَ فَازَ النَّوْرُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَ أَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَ لَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِقُونَ. (المؤمنون، ۲۷) ما هم به او وحی کردیم که زیر نظر ما و به دستور ما کشتی را بساز. هر وقت دیدید که فرمان ما آمد و آب از تنور فوران کرد، پس در آن کشتی سوار شو و از هر جاننداری یک نر و یک ماده همراه خود راه بده و اهل خودت را هم سوار کن، مگر آن کفاری که فرمان ما به هلاکتش رفته و زنده که از باب شفاعت درباره ستمکاران با من سخنی بگویی که البته همه باید غرق شوند. فَأَنْجَيْنَاهُ وَ مَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكَ الْمَشْحُونِ. (الشعراء، ۱۱۹) پس او و کسانی را که با او در آن کشتی مملو از سرنشینان، جنبندگان، متاع و ابزار بود نجات دادیم.

۲۰. وَ حَمَلْنَا عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوَاحِ وَ دُسِّرِ. (القمر، ۱۳)

۱. ساخت کشتی با راهنمایی الهی

قرآن کریم درباره ساخت کشتی می‌فرماید:

اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا.

کشتی را زیر نظر و الهام ما بساز.

از آیات ۲۷ سوره مؤمنون و ۳۷ سوره هود، چنین برداشت می‌شود که این کشتی با راهنمایی ویژه خداوند ساخته شده و تمام اقتضائات لازم در این سازه، متناسب با هدف و کاربردش رعایت شده است؛ چنانکه در آیه دیگری می‌فرماید:

فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ.^{۲۱}

پس او و کسانی را که با او در آن کشتی مملو [از سرنشینان، جنبندگان، متاع و ابزار] بود نجات دادیم.

در تفسیر قمی، مراد از «مشحون» را مجهز بودن کشتی به چیزهای لازم و کامل بودن ساخت آن دانسته است.^{۲۲}

بر اساس متون حدیثی رسیده، کار ساخت کشتی با مدیریت و دخالت مستقیم حضرت نوح علیه السلام در محلّ فعلی مسجد کوفه آغاز شد.^{۲۳} جناب جبرئیل علیه السلام نازل شد و اندازه کشتی را به پیامبر الهی گفت.^{۲۴} سقف کشتی با تخته چوب ساخته شد.^{۲۵} برای آن بال‌هایی قرار داده شد که زیر هر بال، ایوانی (طاق و نشستگاه) تعبیه شده بود.^{۲۶} بالای کشتی با طَبَقی، پوشانده شده بود که دارای دو روزنه بود، از یکی نور آفتاب و از دیگری نور ماه می‌تابید.^{۲۷} این تدبیر، گویا برای در امان ماندن سطح

کشتی حضرت نوح علیه السلام از منظر قرآن کریم و روایات

۲۱. الشعراء، ۱۱۹.

۲۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۲۵؛ و فی روایة ابی الجارود عن ابی جعفر x فی قوله: الْفُلُّ الْمَشْحُونُ، المجهز الذی قد فرغ منه و لم یبق الّا رفعه.

۲۳. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۹.

۲۴. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۲۵؛ و امر جبرئیل ان ینزل علیه و یعلمه کیف یتخذها فقدر طولها فی الارض الف و مئتی ذراع و عرضها ثمانمئة ذراع، و طولها فی السماء ثمانون ذراعا.

۲۵. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۵۱.

۲۶. الدر المنثور، ج ۳، ص ۳۲۷.

۲۷. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۴۶.

کشتی از آب باران‌های تند در مدت سفر بود. در داستان تورات نیز به پوشش کشتی اشاره شده است. تعبیر بال و طبق، می‌تواند اشاره به یک سازه باشند که با دو تعبیر از آن یاد شده است.

درباره این موضوع، مورخان نیز حرف‌هایی دارند که قابل اعتماد نیست؛ زیرا منابع آنها شنیده‌های از گذشتگان است و داستان‌سرایی در آنها نمود دارد. به عنوان مثال، مسعودی در اخبار الزمان می‌نویسد:

گفته می‌شود نوح نمی‌دانست چگونه کشتی را بسازد، پس جبرئیل نازل شد و گفت: آن را به شکل خروس بساز.^{۲۸}

روشن است که این سخنان بدون استناد به منبعی معتبر، قابل پذیرش نیست.

۲. ساخت کشتی از چوب و میخ

قرآن کریم درباره مواد اصلی ساخت کشتی می‌فرماید:

وَ حَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوْجِ وَ دُسرٍ.^{۲۹}

و او را بر کشتی که دارای تخته‌ها و میخ‌ها بود سوار کردیم.

این آیه گویای آن است که کشتی با تخته، چوب و میخ، ساخته شده بود. پیشتر گذشت که بر اساس روایتی، سقف کشتی، با تخته چوب ساخته شد.^{۳۰} در روایتی دیگر آمده که خداوند دستور داد حضرت نوح علیه السلام هسته خرما بکارد که تبدیل به نخل‌های بسیار قد کشیده و تنومند شد. ایشان آن نخل‌ها را برید و کشتی را با چوب آنها ساخت.^{۳۱} روایات دیگری نیز به کشت هسته خرما اشاره کرده و از آن به عنوان علامت و زمان رسیدن عذاب، یاد کرده‌اند.^{۳۲} بر پایه این متون، خداوند به نوح علیه السلام فرمود که هسته‌های درختانی را کشت کند و هنگامی که ثمر دادند و از آن خوردید، زمان عذاب خواهد بود. وقتی این زمان رسید، عذاب نازل نشد. بار دیگر از پیامبر خواسته شد که همین کار را انجام دهد. هر بار، گروهی به دلیل محقق نشدن عذاب، مرتد می‌شدند و سرانجام، افراد خالص، باقی ماندند. در این زمان بود که مؤمنان، خالص شدند و شایستگی نجات از

۲۸. اخبار الزمان، ص ۸۲.

۲۹. القمر، ۱۳.

۳۰. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۵۱.

۳۱. الکافی، ج ۸، ص ۲۸۳.

۳۲. کمال الدین، ص ۱۳۱؛ الغیبة للطوسی، ص ۱۷۰.

عذاب را یافتند و عذاب واقع شد. در این روایات، به این که چوب کشتی از این نخل‌ها یا درختان بوده، اشاره‌ای نشده است.^{۳۳}

در روایت دیگری آمده که معصوم علیه السلام به یک یهودی خطاب می‌کنند که آیا شما فکر می‌کنید نخستین درخت، همان است که کشتی نوح، از آن ساخته شد؟ (یهودیان معتقدند کشتی از درخت ساج بود) در حالی که اشتباه می‌کنید؛ بلکه نخستین درخت، نخل خرماس است که با آدم، از بهشت به زمین آورده شد و انواع نخل از آن است.^{۳۴} مضمون این روایت، نشان می‌دهد که کشتی نوح از نخل نبود؛ همان‌گونه که به طور ضمنی از «ساج» بودن آن را تأیید می‌کند.

در منابع اهل سنت، به نقل از برخی صحابه^{۳۵} و تابعان و کسانی چون «کعب الاحبار»^{۳۶} آمده که جنس کشتی از «ساج» بود. این قول با سخن اهل کتاب، تطابق دارد. روایتی از «انس بن مالک» نیز بدین مضمون نقل شده^{۳۷} که منبع اصلی آن^{۳۸} قابل اعتماد نیست و به نظر می‌رسد متأثر از اهل کتاب باشد.

یاقوت حموی نام درختی که تورات از آن یاد کرده را به «شمشاد» ترجمه نموده است.^{۳۹} نتیجه آنکه، درباره نوع چوب کشتی، شاید بتوان گفت که چوب نخل و ساج، قابل اعتنا تر است.

۳. کارکرد دوگانه کشتی در حمل انسان و حیوان

قرآن کریم به سوار کردن یک جفت از هر حیوان در کشتی اشاره می‌کند. این مفهوم در سوره‌های مؤمنون^{۴۰} و هود^{۴۱} آمده است. بنابراین، کشتی به گونه‌ای ساخته شده بود که بتواند به غیر انسان‌ها، حیوانات گوناگون را با خود حمل کند.

۳۳. الغیبة للنعمانی، ص ۲۸۶.

۳۴. اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۷۰.

۳۵. تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۱۲۴.

۳۶. سعید بن مینا: ان کعبا قال لعبد الله بن عمرو بن العاص: اخبرنی عن اول شجرة نبتت علی الارض؟ قال عبد الله: الساج و هی التي عمل منها نوح السفینة. فقال کعب: صدقت. (الدر المنثور، ج ۳، ص ۳۲۸)

۳۷. الامان من اخطار الاسفار، ص ۱۱۹؛ نوادر المعجزات، ص ۶۴.

۳۸. تاریخ محمد التجار.

۳۹. معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۷۹.

۴۰. فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَ فَارَ التَّنُورَ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَ لَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِضُونَ. (مؤمنون، ۲۷) به او وحی کردیم که کشتی را در حضور ما و به الهام ما بساز. و چون فرمان ما در رسید و آب از تنور بیرون زد از هر جنسی دو تا و نیز کسان خود را به آن ببر، مگر آن کس که پیش از این درباره او سخن رفته است و درباره ستم‌کاران با من سخن مگوی که آنها همه غرقه‌شدگانند.

۴۱. حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَ فَارَ التَّنُورَ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَ مَنْ آمَنَ وَ مَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ. (هود، ۴۰) چون فرمان ما فراز آمد و تنور جوشید، گفتیم: از هر تر و ماده دو تا و نیز خاندان خود را در کشتی بنشان، مگر

بر اساس روایتی، برای هر گروه از حیوانات، مکان ویژه‌ای در نظر گرفته شده و غذایشان نیز در همان جا، انبار شده بود.^{۴۲} برخی روایات تصریح کرده‌اند که برای حیوانات ۹۰ اتاق درست شده بود.^{۴۳} از ابن عباس نقل شده که کشتی در سه طبقه ساخته شد؛ طبقه اول برای چهارپایان، طبقه وسط برای انسان‌ها و طبقه بالا برای پرندگان.^{۴۴} این نقل با گفته تورات تطابق دارد.

۴. بزرگی کشتی و استحکام آن

قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید:

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ.^{۴۵}

از این آیه استفاده می‌شود که کشتی به اندازه‌ای بزرگ و مستحکم ساخته شده بود که موج‌های کوه آسا نیز توان نابودی و غرق ساختن آن را نداشتند.

در منابع روایی و تاریخی در باره اندازه و بزرگی کشتی، نقل‌های گوناگونی وجود دارد:

- طول کشتی ۳۰۰، عرض آن ۱۵۰ و ارتفاعش ۲۰۰ ذراع.^{۴۶}
- طول کشتی ۴۰ و ارتفاعش نیز ۴۰ ذراع.^{۴۷}
- طول کشتی ۱۲۰۰، عرض آن ۸۰۰ و ارتفاعش ۸۰ ذراع.^{۴۸}
- طول کشتی ۱۲۰۰، عرض آن ۸۰۰ و ارتفاعش ۲۰۰ ذراع.^{۴۹}
- طول کشتی ۱۲۰۰، عرض آن ۱۰۰ و ارتفاعش ۸۰ ذراع.^{۵۰}
- طول کشتی ۸۰۰، عرض آن ۵۰۰ و ارتفاعش ۸۰ ذراع.^{۵۱}

آن کس را که حکم درباره‌اش از پیش صادر شده باشد، و نیز آنهایی را که به تو ایمان آورده‌اند و جز اندکی به او ایمان نیاورده بودند.

۴۲. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۲۷.

۴۳. الخصال، ص ۵۹۸.

۴۴. الدر المنثور، ج ۳، ص ۳۲۸.

۴۵. هود، ۴۲.

۴۶. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۴۱ به نقل از کتب قدیمی.

۴۷. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۴۶.

۴۸. الکافی، ج ۸، ص ۲۸۳؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۲۵.

۴۹. الکافی، ج ۴، ص ۲۱۲؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۴۹.

۵۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۳۰.

۵۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۹۵.

- طول کشتی ۱۲۰۰ و عرض آن ۶۰۰ ذراع (نقل قول اول از ابن عباس)؛ طول کشتی ۴۰۰ و عرض آن ۳۰ ذراع (نقل دوم از ابن عباس).
- طول کشتی ۳۰۰، عرض آن ۵۰ و ارتفاعش ۳۰ ذراع (نقل از تورات).

بدین ترتیب، نیمی از اقوال، طول کشتی را «۱۲۰۰ ذراع» دانسته‌اند. ظاهراً این قول، با توجه به حمل حیوانات گوناگون و آذوقه انسان و حیوان و ساخت ۹۰ اتاق برای حیوانات که در برخی روایات آمده، مناسب‌تر است.

درباره عرض کشتی نیز باید توجه داشت که در ساخت کشتی و قایق، تناسب بین طول و عرض آن رعایت می‌شود. از این رو، نقل «۸۰۰ ذراع»، به دلیل خارج شدن شکل کشتی از اندازه متعارف، در ظاهر نمی‌تواند پذیرفتنی باشد؛ چرا که عرض، برابر دو سوم طول خواهد بود و این شکل کشتی را از حالت متعارف خارج می‌کند. اندازه‌های گفته شده برای عرض کشتی، نسبت به اندازه وسط کشتی است چرا که کشتی اگر بخواهد در برابر امواج تاب بیاورد و در دریا حرکت کند باید شکلی طولی داشته باشد و عرض آن در ابتدا و انتهای طول کشتی، باریک شود.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که کشتی حضرت نوح علیه السلام، صرفاً وسیله‌ای بوده برای آن که عده‌ای را از غرق شدن نجات دهد، پس نیازی به حرکت و طی مسیری معین بر روی آب نداشت. در این فرض، رعایت شکل متعارف کشتی‌ها که برای حرکت بر روی آب ساخته می‌شوند، لازم نیست. نقل‌هایی که محل فرود کشتی را منطقه «جزیره» عراق می‌دانند، با این فرض، تناسب دارند؛ زیرا جا به جایی از کوفه تا جزیره در اثر تلاطم آب و حرکت امواج قابل پذیرش خواهد بود. اشاره نشدن به ساخت «بادبان» در اخبار کشتی که برای طی مسیر در دریا تعبیه می‌شود نیز می‌تواند مؤید این فرض باشد.

پس از نقل ۸۰۰ ذراع برای عرض، مناسب‌ترین نقل، قول «۱۰۰ ذراع» است که با شکل متعارف کشتی‌ها که عرض کم و طول زیاد دارند، مناسب است. نسبت معمول طول به عرض در قایق‌ها، ۲ به ۱ یا ۵ به ۱ است و در کشتی‌ها ۲۰ به ۱ یا ۳۰ به ۱ است. اما هر چه عرض بیشتر باشد پایداری آن در برابر تلاطم‌ها بیشتر خواهد بود.^{۵۲} بنابراین، عرض صد ذراع که نسبت طول به عرض ۱۲ به ۱ دارد، شکلی مناسب به کشتی در معرض توفان و دارای بار سنگین می‌دهد.

درباره ارتفاع نیز به نقل ۸۰ ذراع (حدود ۴۰ متر)، بیشتر می‌توان اعتماد کرد. این نقل، در سه قول بالا، مشترک است و از سوی دیگر تناسب بیشتری با توانایی کشتی و نیازهای آن دارد. چنانکه گفته شد، قرآن کریم اشاره کرده که کشتی در برابر امواج کوه آسا، مقاومت می‌کرد. از این رو، نقل‌هایی مثل ۳۵ ذراع، تناسبی با این قابلیت، ندارند. از سوی دیگر، ارتفاع «۲۰۰ ذراع» که در حدود «۱۰۰ متر» می‌شود تناسبی با نیازهای کشتی ندارد. یک ساختمان یک طبقه حدود چهار متر ارتفاع دارد. با احتساب این مترهاژ، در صد متر ارتفاع، می‌توان حدود بیست و پنج طبقه ساخت. حتی اگر حدود نصف این مقدار یعنی دوازده طبقه، به جهت نوع مسافران و نیازهای کشتی، در نظر گرفته شود، مشکل می‌توان باور کرد که به این مقدار، نیاز بوده و قدرت ساختش در آن دوران وجود داشته است.

بنابراین قول سوم (طول کشتی ۱۲۰۰، عرض آن ۸۰۰ و ارتفاعش ۸۰ ذراع) که در کتاب «روضه کافی» نقل شده از همه مناسب‌تر، به نظر می‌رسد.

ج) مدت زمان ساخت کشتی و مشکلات آن

درباره بازه زمانی ساخت کشتی گزارش‌های متفاوتی وجود دارد. همچنین آیات و روایات، برخی از مشکلات ساخت آن را بیان فرموده‌اند.

۱. مدت ساخت

قرآن کریم درباره این موضوع، ساکت است. در روایات اهل بیت علیهم السلام گزاره‌هایی وجود دارد که عبارتند از:

- هشتاد سال و ردّ قول پانصد سال.

در این نقل، تصریح شده که ساخت کشتی ۸۰ سال طول کشید و ادعای ۵۰۰ سال رد شده است؛ زیرا خداوند به نوح فرمود در کار ساخت کشتی شتاب کن و این شتاب با قول ۵۰۰ سال سازگار نیست. همچنین با توجه به اینکه ساخت کشتی با هدایت الهی بوده که تعبیر «وَوَحِينَا» به آن

اشاره می‌کند، نمی‌تواند زیاد طول بکشد.^{۵۳}

- صد سال.^{۵۴}

- سی سال.^{۵۵}

۵۳. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۹.

۵۴. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۴۷.

۵۵. قصص الانبیاء للراوندی، ص ۸۵.

قول اوّل به خاطر منبع نقل که کتاب کافی است و مسند بودن حدیث و پرسش مخصوص از زمان ساخت در متن حدیث، بیشتر قابل اعتماد است.

۲. مشکلات ساخت

یکی از مشکلات ساخت کشتی، آگاهی نداشتن از چگونگی ساخت آن است. سید ابن طاووس و محمد بن جریر طبری شیعی به نقل از تاریخ محمد نجار آورده‌اند:

وقتی حضرت نوح علیه السلام به دستور خداند متعال چوب‌ها را برید، نمی‌دانست باید چه کند. جبرئیل علیه السلام آمد و شکل کشتی را به او نشان داد. همراه وی جعبه‌ای بود که صد و بیست و نه هزار میخ داشت.^{۵۶}

بنابراین نه تنها حضرت نوح علیه السلام نمی‌دانست کشتی را چگونه بسازد، بلکه مواد اولیه لازم را نیز در اختیار نداشت. روایت مفضل در روضه کافی می‌گوید:

حضرت نوح علیه السلام نخستین کسی است که کشتی برای حرکت روی آب ساخته است.^{۵۷}

این روایت مؤید نقل محمد نجار در بی‌سابقه بودن ساخت کشتی است. اما برخی دیگر از روایات تصریح کردند که قوم نوح وقتی دیدند وی مشغول ساخت کشتی است او را مسخره کردند و گفتند در صحرا کشتی می‌سازد و ملوان شده است.^{۵۸} این بدان معناست که آنان با کشتی و حرکت آن بر روی آب آشنا بودند و نوح، نخستین کشتی‌ساز نبوده است. قرآن هم به تمسخر قوم نوح به هنگام دیدن ساخت کشتی تصریح دارد که می‌تواند شاهد دیگری بر این معنا باشد. در روایتی، نزول جبرئیل علیه السلام را برای این دانسته که اندازه کشتی را به او بگوید.^{۵۹}

این روایات به دلالت التزامی نشان می‌دهند که کشتی‌سازی پیش از حضرت نوح علیه السلام نیز سابقه داشت؛ چون مردم، ایشان را مسخره می‌کردند و می‌گفتند در خشکی کشتی می‌سازد و این سخن نشان از آشنایی آنان با کشتی‌سازی در کنار دریا دارد.

۵۶. الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص ۱۱۸؛ نوادر المعجزات، ص ۶۴.

۵۷. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۹.

۵۸. الکافی، ج ۸، ص ۲۸۳؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۲۵.

۵۹. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۲۵.

مشکل دیگر، تمسخر حضرت نوح علیه السلام به هنگام ساخت کشتی است؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

او مشغول ساختن کشتی بود و هر زمان، گروهی از اشراف قومش بر او می‌گذشتند، وی را مسخره می‌کردند (ولی نوح) می‌گفت: اگر ما را مسخره می‌کنید، ما نیز شما را همین‌گونه مسخره خواهیم کرد.^{۶۰}

روشن است که مسخره کردن حضرت نوح علیه السلام تأثیری بر اراده ایشان ندارد ولی ممکن است در انگیزه مؤمنان همراه ایشان اثر بگذارد.

مشکل دیگری که در روایات به آن اشاره شده، حمله شبانه کافران برای تخریب سازه کشتی است. بر پایه نقلی از ابن عباس، حضرت نوح علیه السلام اولین کسی است که از سگ به عنوان نگهبان استفاده کرد تا جلو حملات شبانه کافران را بگیرد.^{۶۱} این کار ایشان با راهنمایی خداوند متعال بود.

د) زمان و مکان حرکت کشتی

نسبت به زمان و مکان حرکت کشتی و نیز سوارشدن مسافران، گزارش‌های مختلفی وجود دارد.

۱. مکان حرکت

گروهی از روایات، کناره رود فرات در سرزمین عراق^{۶۲} را محل حرکت کشتی شمرده‌اند.^{۶۳} برخی دیگر از روایات، محل دقیق آن را محل فعلی مسجد کوفه دانسته‌اند.^{۶۴} بعضی از متون نیز محل زندگی حضرت نوح علیه السلام و حرکت کشتی را شام ذکر کرده‌اند.^{۶۵}

دو قول نخست، قابل جمعند. قول دوم می‌تواند مصداق ساحل فرات در روایت اول را بیان کرده باشد. به نظر می‌رسد این نقل به قرینه روایاتی که محل فوران آب از تنور هنگام توفان را بیان کرده و آن را شهر کوفه دانسته،^{۶۶} قابل اعتمادتر باشد.

۶۰. هود، ۳۸.

۶۱. المصنّف لعبد الرزّاق، ج ۸، ص ۳۶۱.

۶۲. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۹.

۶۳. برخی شارحان تورات نیز محل آن را عراق و ساحل فرات دانسته‌اند.

۶۴. الکافی، ج ۳، ص ۴۹۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۱.

۶۵. المسالک و الممالک ص ۷۶؛ و دمشق هی «ارم ذات العیاد» و کانت قبل دار نوح صلی الله علیه و من جبل لبنان کان مبتدأ سفینته «و استوت علی الجودی» جبل قردی و لما کثر ولد نوح نزلوا بابل السواد فی ملک نمرود بن کوش و هو اول ملک کان فی الارض.

۶۶. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۴۶.

۲. زمان سوارشدن

قرآن کریم می‌فرماید:

ما به نوح وحی کردیم؛ و هنگامی که فرمان ما (برای غرق آنان) فرا رسد و آب از تنور بجوشد (که نشانه فرا رسیدن توفان است)، از هر یک از انواع حیوانات یک جفت در کشتی سوار کن و همچنین خانواده‌ات را.^{۶۷}

بدین ترتیب زمان جوشیدن آب از تنور، زمانی بوده که عذاب شروع شده و مسافران، سوار کشتی شده‌اند. هرچند در برخی روایات، تعبیر «فَارَ التَّنُّورُ» به هنگامه طلوع فجر یا خورشید تفسیر شده^{۶۸} ولی بقیه روایات، همین معنای مشهور جوشیدن آب از تنور را تأیید کرده‌اند.

حال از حیث تقویمی، حرکت کشتی، چه زمانی بوده است؟ این مساله در قرآن کریم پردازش نشده و به نظر می‌رسد نقشی در اصل داستان و پندگیری از آن نداشته باشد. تاریخ‌های مبنا در بین اقوام مختلف، فرق می‌کند و معلوم نیست در زمان نوح چه چیزی مبنای تاریخ بوده است.

در برخی روایات، ماه رجب^{۶۹} و روز اول آن، روزی دانسته شده که کشتی نوح، مسافران را سوار کرد.^{۷۰} با توجه به اینکه ماه‌های قمری در گردش هستند، به سادگی نمی‌توان روز معین اول رجب را از روی سال شمسی، به دست آورد. ضمن اینکه اساساً این موضوع، ارتباطی با عبرت آموزی ندارد.

۶۷. فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعْ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا فَاذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تَخَاطَبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرَقُونَ. (مؤمنون، ۲۷) در سوره هود نیز بدین مطلب که جوشیدن آب از تنور، علامت شروع عذاب بوده، تصریح دارد: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ. (هود، ۴۰) تا آن زمان که فرمان ما فرا رسید و تنور جوشیدن گرفت (به نوح) گفتیم: از هر جفتی از حیوانات (از نر و ماده) یک زوج در آن (کشتی) حمل کن! همچنین خاندانت را (بر آن سوار کن)، مگر آنها که قبلاً وعده هلاک آنان داده شده [همسر و یکی از فرزندان]، و همچنین مؤمنان را؛ اما جز عده کمی همراه او ایمان نیاوردند.

۶۸. تفسیر التبیان، ج ۷، ص ۳۶۳: و روی عن علی × انه اراد طلوع الفجر. در زاد المسیر، ج ۴، ص ۸۵ آمده: و الثانی انه تنویر الصبح رواه ابو جحیفه عن علی × ... و الثالث انه طلوع الفجر روی عن علی × ایضا قال: «و فار التَّنُّورُ» طلع الفجر و الرابع انه طلوع الشمس و هو منقول عن علی × ایضا. در تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۲۲۶ آمده: و فی التَّنُّورِ اقوال اخر بعیده من الفهم کقول من قال: ان المراد به طلوع الفجر و کان عند ذلک اول ظهور الطوفان.

۶۹. جامع البیان (تفسیر طبری)، ج ۱۵، ص ۶۱؛ المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۶۹.

۷۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۱؛ الخصال، ص ۵۰۲.

هـ) مسافران کشتی

قرآن کریم درباره مسافران کشتی می‌فرماید:

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ
اثْنَيْنِ وَ أَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا
قَلِيلٌ^{۷۱}.

زمانی که فرمان ما فرا رسید و تنور، جوشیدن گرفت (به نوح) گفتیم: از هر جفتی
از حیوانات (از نر و ماده) یک زوج در آن (کشتی) حمل کن. همچنین خاندانت را (بر
آن سوار کن) مگر آنها که قبلاً وعده هلاک آنان داده شده [همسر و یکی از فرزندان]
و همچنین مؤمنان را؛ اما جز عده کمی همراه او ایمان نیاوردند.

بر اساس این آیه، مسافران دو گروه بودند؛ یکی انسان‌ها که بسیار کم‌شمار بودند و دیگری،
حیوانات که از هر جنسی یک جفت بودند.

از میان انسان‌ها، خانواده نوح و ایمان آوردگان به او، مسافران کشتی نجات شمرده شده‌اند. قرآن
کریم بلافاصله پس از این سخن می‌فرماید:

عده کمی از قوم نوح ایمان آوردند.

بنابراین، غیر از خانواده نوح، تعداد کمی از قومش، مسافر کشتی بودند. در سوی مقابل، از اعضای
خانواده ایشان، دو نفر از غرق‌شدگان بودند: همسر و پسر ناهلش.

بر اساس مضمون این آیه، شمار انسان‌های نجات یافته با کشتی نوح، بسیار کم بوده است. برخی
روایات عبارت «وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» را تفسیر و تبیین کرده‌اند و تعداد مؤمنان را در کنار نوح و
خانواده‌اش، مجموعاً، هشت نفر یا هشتاد نفر دانسته‌اند.^{۷۲}

۷۱. هود، ۴۰.

۷۲. معانی الاخبار، ص ۱۵۱؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۴۸.

در روایتی آمده که از امام رضا علیه السلام پرسیدند، در توفان نوح چرا تمام دنیا زیر آب رفت؟ گناه کودکانی که غرق شدند چه بود؟ حضرت پاسخ می‌دهند:

قبل از توفان، چهل سال زنان قوم نوح عقیم شده و بچه‌دار نمی‌شدند.^{۷۳}

این مطلب گویای آن است که کشتی، مسافر کودک نداشته و همگی مسافران، دست کم، چهل ساله بودند. گذشت که روایتی^{۷۴} به امتحان سه مرحله‌ای کاشت درخت خرما، مرتد شدن برخی از پیروان حضرت نوح علیه السلام و خالص شدن قومش پس از این مراحل، اشاره دارند. این روایات می‌توانند قرینه‌ای باشند بر این که مسافران، همگی انسان‌های کامل و خالصی بودند.

نسبت به حیوانات، قرآن کریم تصریح دارد که از هر جنسی، یک جفت حضور داشتند:

قُلْنَا اِحْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ.^{۷۵}

گاهی در منابع روایی، به تناسب بحث، از برخی حیوانات حمل شده در کشتی، سخن به میان آمده است. مثلاً گفته شده که ازواج ثمانیه جزو این حیوانات بودند. قرآن کریم در سوره‌های زمر^{۷۶} و انعام^{۷۷} بدان‌ها، اشاره کرده و می‌فرماید:

هشت جفت از چهارپایان را (برای شما) آفرید، از میش، دو جفت و از بز دو

جفت ... و از شتر یک جفت، و از گاو هم یک جفت.

جفت‌های مذکور در سوره انعام عبارتند از: میش اهلی در کنار میش کوهی، بز اهلی در کنار بز

صحرائی، شتر عربی در کنار شتر خراسانی و گاو اهلی در کنار گاو وحشی.^{۷۸}

۷۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۵.

۷۴. الغیبة للنعمانی، ص ۲۸۶.

۷۵. هود: ۴۰.

۷۶. وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ. (زمر: ۶) او خلق کرد و برای شما هشت زوج از چهارپایان نازل کرد.
 ۷۷. وَ مِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَ فَرَشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ. ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ الْأَذْكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيْنِ نَبُوؤُنِي يَعْلَمُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. وَ مِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ. (الانعام، ۱۴۲ - ۱۴۴) و از حیوانات بار بردار و نوزاد (پدید آورد) از آنچه خدا روزیتان کرده بخورید و دنبال شیطان مَرَوید که وی برای شما دشمنی آشکار است. هشت لنگه حیوان دو میش (نر و ماده) و دو بز (نر و ماده) بگو آیا دو نر را حرام کرده یا دو ماده و یا آنچه در رحم دو ماده جای گرفته؟ اگر راست‌گویید مرا از روی علم و مدرک خبر دهید و دو شتر (نر و ماده) و دو گاو (نر و ماده).

۷۸. الکافی، ج ۸، ص ۲۸۳؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۴۸.

در روایتی دیگر آمده که نوح حاضر شد «سگ» را به کشتی راه دهد، اما حاضر نشد «ولد الزنا» وارد کشتی شود. در خبری دیگر آمده که «عقرب» را به شرطی راه داد که کسی را نیش نزند. همچنین نقل شده، دلیل آنکه میش بر خلاف بز، دنبه داشته و عورتش پوشش دارد، این است که میش، خود و با میل خودش، وارد کشتی شد لذا خداوند به او دنبه داد، اما بز وارد کشتی نمی‌شد و نافرمانی می‌کرد که حین ورود به کشتی دمش شکسته شد و به شکل امروزین درآمد.^{۷۹}

انتساب شکل حیوانات، به حادثه توفان و کشتی نوح با تناقضاتی همراه است؛ زیرا از یک سو نقض خلقت اولیه آنان است و از سوی دیگر، اگر برای بز چنین چیزی گفته می‌شود، حیوانات دیگری هستند که همانند بز هستند ولی درباره آنان چیزی گفته نشده است. در نقلی آمده که حیواناتی مثل خوک از حیوانات موجود در کشتی پدید آمده‌اند^{۸۰} که علاوه بر اشکالات یاد شده، اشکال «منفرد بودن روایت» را نیز دارد.

نقل شده که وقتی نوح می‌خواست الاغ را وارد کشتی کند، الاغ خودداری می‌کرد لذا او را با شاخه درخت خرما یک ضربه زد و گفت:

ای شیطان وارد شو.^{۸۱}

در نقلی دیگر آمده که الاغ وارد نمی‌شد زیرا شیطان بین پاهای او بود؛ لذا وقتی نوح علیه السلام به شیطان گفت داخل شو، الاغ و شیطان با هم وارد کشتی شدند.^{۸۲} این دو نقل می‌توانند گزارشی از یک خبر باشند که در یکی، دلیل انتساب الاغ به شیطان، گفته شده و در دیگری نه. ولی این گونه از روایات از نظر محتوا، مشکل دارند و نمی‌توان به آنها اعتماد کرد؛ زیرا شیطان از جنیان است و برای ورود به کشتی، نیازی به مخفی شدن زیر پای یک حیوان ندارد. همچنین رفت و آمد آنان به آسمان و زمین و عدم محدودیت آنها به مانند انسان‌ها، امری پذیرفته شده است؛ ضمن آنکه توفان او را تهدید نمی‌کرد و نیازی به کانون نجات نداشت.

۷۹. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۹۴.

۸۰. قصص الانبیاء للراوندی، ص ۸۱.

۸۱. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۳۵.

۸۲. قصص الانبیاء للراوندی، ص ۸۶.

درباره نحوه سوار کردن حیوانات، در روایتی آمده است که خداوند متعال به نوح علیه السلام امر کرد که به زبان سریانی ندا بزند همه چهارپایان و حیوانات حاضر شوند.^{۸۳} با این ندای نوح، همگی حاضر شدند و نوح از هر کدام یک جفت را سوار کشتی کرد. بر پایه این نقل، همه حیوانات در کشتی نجات حضور داشتند.

برخی از روایات از حمل بذر تمام رویدنی‌ها^{۸۴} و به خصوص خرما^{۸۵} در کشتی خبر داده‌اند. از این رو می‌توان این بذرها را یکی از وسایل موجود در کشتی دانست.

(و) سرگذشت کشتی

قرآن کریم و منابع روایی، نسبت به هنگامه سوار شدن مسافران به کشتی، نکاتی دارند که عبارتند

از:

- خداوند به حضرت نوح علیه السلام دستور داد که وقتی بر کشتی سوار شد بگوید:

ستایش برای خدایی است که ما را از قوم ستمگر نجات بخشید.^{۸۶}

- خداوند متعال به حضرت نوح علیه السلام فرمود به هنگام سوار شدن، چنین دعا کند:

پروردگارا، ما را در منزل گاهی پُربرکت فرود آر و تو بهترین فرود آورندگان.^{۸۷}

- هنگامی که مسافران می‌خواستند سوار کشتی شوند، حضرت نوح علیه السلام به آنان گفت:

بر آن سوار شوید که حرکت و توقّفش با نام خداست. همانا پروردگار من

آمرزنده و مهربان است.^{۸۸}

۸۳ الامام الصادق: «فلما فرغ نوح من اتخاذ السفينة امره الله تعالى الى ان ينادى بالسريانية: لا يبقى بهيمة و لا حيوان الا حضر، فادخل من كل جنس من اجناس الحيوان زوجين السفينة. و كان الذين آمنوا به من جميع الدنيا ثمانون رجلا. (تفسير القمي، ج ۱، ص ۳۲۷)

۸۴ تاریخ دمشق، ج ۶۲، ص ۲۶۱.

۸۵ المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۰.

۸۶ فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَ مَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ قُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ. (المؤمنون، ۲۸ - ۲۹) پس هنگامی که تو و آنان که با تو هستند، بر کشتی سوار شدید، پس بگو: همه ستایش‌ها ویژه خداست که ما را از این گروه ستم‌پیشه نجات داد و بگو: پروردگارا، مرا در جایگاهی پرخیر و برکت فرود آور که تو بهترین فرودآورندگان.

۸۷ المؤمنون، ۲۸ - ۲۹.

۸۸ وَ قَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا إِنْ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ. (هود، ۴۱) و نوح گفت: در آن سوار شوید که حرکت کردنش و لنگر انداختنش فقط به نام خداست، یقیناً پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است.

چنانکه از این نکات بر می‌آید تأکید قرآن کریم بر پیام‌های داستان است؛ زیرا بخش‌هایی از داستان را که در آن یاد خدا و تضرع به درگاهش مطرح بوده، گزارش کرده و نسبت به امور دیگر ساکت است.

بر اساس این نکات، خداوند متعال، خود، نحوه دعای هنگام سوار شدن را به حضرت نوح علیه السلام تعلیم داده و در تمام مدت سفر از آغاز تا انتها، یاد خدا جاری بوده است.

این که قرآن کریم در گزارش دعای حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید از خدا بخواه، کشتی در منزل گاهی با برکت پهلو بگیرد، بدان معناست که منطقه فرود کشتی (جودی) جای با برکتی بوده است.

- هنگام سوار شدن، نوح از فرزند کافرش نیز خواست تا سوار شود که با پاسخ منفی او رو به رو شد. او اظهار داشت به کوهی پناه می‌برد تا آب او را غرق نکند اما موجی آمد و بین آنها حائل شد و فرزندش را غرق کرد.^{۸۹}

- در برخی روایات آمده که کشتی به محل شهر مکه، هدایت شد و حول مکان کعبه چرخید.^{۹۰} برخی نیز تصریح دارند که حضرت نوح علیه السلام در مکه از کشتی پیاده شد و در حالی که آب تا زانوهای او می‌رسید تابوت حضرت آدم علیه السلام را از کنار خانه خدا از آب بیرون کشید و داخل کشتی برد و سپس کشتی به طرف کوفه بازگشت و در کوفه تابوت آدم علیه السلام را دفن کرد.^{۹۱} در روایتی دیگر، هرچند گفته شده، مکه در آب غرق نشد ولی به طواف کشتی، حول کعبه اشاره شده که می‌تواند با روایت قبلی قابل جمع باشد؛ یعنی میزان آب به حدی نرسید که روی کوه‌های اطراف مکه را بپوشاند.^{۹۲} البته اشکال این روایت، آن است که اگر آب تا زانوی حضرت نوح علیه السلام می‌رسیده، در این صورت عمق آن به حدی نبوده که کشتی بزرگ بتواند در آن شناور باشد و اطراف کعبه طواف کند، حتی با فرض قد بلندتر از معمول مردمان آن عصر.

- در منابع اهل کتاب نقل شده که حضرت نوح علیه السلام در فضای بیرون کشتی خوابیده بود که باد، لباس او را کنار زد و عورتش نمایان شد. یکی از پسرانش به نام «حام» خندید ولی دو پسر

۸۹. وَ هِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَ نَادَى نُوْحٌ ابْنَهُ وَ كَانَ فِي مَعْرَلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ. قَالَ سَأُوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ. قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَجِمَ وَ حَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ. (هود، ۴۲ - ۴۳)

۹۰. الکافی، ج ۴، ص ۲۱۲ و ج ۸، ص ۲۷۹؛ تفسیر العیاشی؛ ج ۲، ص ۱۴۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۳۰.

۹۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۲؛ کامل الزیارات، ص ۸۹.

۹۲. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۲۷.

دیگر، لباس او را درست کردند. وقتی نوح علیه السلام بیدار شد و متوجه قضیه گردید «حام» را نفرین کرد و از این رو نسل او سیاه‌پوست و برده نسل دو برادر دیگر، سام و یافث شدند.^{۹۳} همین مضمون در علل الشرایع نیز روایت شده است.^{۹۴} در آن جا آمده که علاوه بر حام، برادر دیگرش یافث نیز خندید و حتی تأکید می‌کند که این دو گاهی لباس پدر را کنار می‌زدند و هر دو، مورد نفرین واقع شده و نسل‌هایشان تحت سلطه فرزندان سام قرار گرفتند.

این‌گونه از نقل‌ها، علاوه بر آنکه با مساله ضروری عدالت خدا و عقوبت نکشیدن فرزندان به گناه پدران ناسازگارند با شأن حضرت نوح علیه السلام و مسافران مؤمن کشتی که افراد خالصی بودند نیز سازگاری ندارد. برخی نقل‌های روایی نیز دلالت بر نادرستی این نقل‌ها دارند. در تفسیر قمی درباره آیه «نسل نوح را در زمین باقی گذاریم»^{۹۵} آمده که نسل ایشان از طریق دختر او ادامه یافت؛^{۹۶} یعنی نسل امروز بشر از طریق مادری به حضرت نوح علیه السلام می‌رسد و از طریق پدری، به یکی از مسافران کشتی که شوهر دختر نوح بوده است. مفاد این حدیث با آیاتی که می‌گویند موسی^{۹۷} و برخی پیامبران از نسل «کسی که در کشتی همراه نوح بوده» هستند،^{۹۸} تأیید می‌شود.

ز) مدت حضور در کشتی و مکان پهلوگیری

میزان حضور مسافران در کشتی و نیز مکان فرود آمدن آن، از مسائل اختلافی درباره کشتی نجات است.

۹۳. تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۲۰۲ - ۲۰۵: حَدَّثَنَا ابْنُ حَمِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا سَلْمَةُ عَنْ ابْنِ إِسْحَاقَ فِي الْحَدِيثِ قَالَ: وَ يَزْعُمُ أَهْلُ التَّوْرَةِ أَنَّ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا عَنْ دَعْوَةِ دَعَاها نوحُ عَلَيَّ ابْنِهِ حَامٍ، وَ ذَلِكَ أَنَّ نوحًا نَامَ فَانْكَشَفَ عَنْ عَوْرَتِهِ، فَرَأَاهَا حَامٌ فَلَمَّ يَغْطِهَا، وَ رَأَاهَا سَامٌ وَ يَافِثٌ فَالْقِيَا عَلَيْهَا ثوبًا فَوَارِيَا عَوْرَتِهِ، فَلَمَّا هَبَّ مِنْ نَوْمَتِهِ عَلِمَ مَا صَنَعَ حَامٌ وَ سَامٌ وَ يَافِثٌ، فَقَالَ: مَلْعُونٌ كُنْعَانُ بَنِ حَامٍ، عبيداً يَكُونُونَ لِاخْوَتِهِ، وَ قَالَ: يَبَارِكُ اللَّهُ رَبِّي فِي سَامٍ وَ يَكُونُ حَامٌ عَبْدَ اخْوِيهِ وَ يَقْرُضُ اللَّهُ يَافِثٌ وَ يَحِلُّ فِي مَسَاكِنِ حَامٍ وَ يَكُونُ كُنْعَانُ عَبْدًا لَهُمْ ... وَ قَالَ غَيْرُ ابْنِ إِسْحَاقَ: أَنَّ نوحًا دَعَا لِسَامِ بَانَ يَكُونُ الْانْبِيَاءُ وَ الرِّسَالُ مِنْ وَلَدِهِ وَ دَعَا لِيَافِثَ بَانَ يَكُونُ الْمُلُوكُ مِنْ وَلَدِهِ وَ بَدَأَ بِالْدَعَاءِ لِيَافِثَ وَ قَدَمَهُ فِي ذَلِكَ عَلَيَّ سَامٌ وَ دَعَا عَلَيَّ حَامٌ بَانَ يَتَغَيَّرُ لُونُهُ وَ يَكُونُ وَلَدُهُ عبيداً لَوْلَدِ سَامٍ وَ يَافِثَ.

۹۴. علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۱.

۹۵. وَ جَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ. (الصافات، ۷۷)

۹۶. الامام الصادق: وَ كَانَتْ لِنوحِ ابْنَةِ رَكْبَتٍ مَعَهُ فِي السَّفِينَةِ فَتَنَسَلُ النَّاسُ مِنْهَا وَ ذَلِكَ قَوْلُ النَّبِيِّ نوحُ اِحْدُ الْاَبْوِينِ. (تفسير القمي،

ج ۱، ص ۳۲۶)

۹۷. ذُرِّيَّةٌ مِمَّنْ خَمَلْنَا مَعَ نوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا. (الاسراء، ۳)

۹۸. أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ خَمَلْنَا مَعَ نوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْرَائِيلَ. (مريم، ۵۸)

۱. مدّت حضور

اقوال مختلفی درباره بازه حضور مسافران در کشتی نجات، مطرح شده است که در ادامه ذکر می‌شود.

- زمان حضور، مقداری بود که خدا خواسته بود:

انّ نوحا كان في السفينة و كان فيها ما شاء الله.^{۹۹}

- هفت شبانه روز.^{۱۰۰}

- شش ماه.^{۱۰۱}

در میان این اقوال، قول نخست که زمان را مشخص نکرده از یک سو قابل جمع با هر یک از اقوال دیگر است، و از دیگر سو، با شیوه قرآن در نقل داستان‌ها، هماهنگ‌تر است. زیرا قرآن کریم بر پیام داستان‌ها تأکید می‌کند نه جزئیات آن.

در میان دو قول دیگر، قول «هفت روز» با توجه به محقق شدن عذاب کافران در این مدّت و وجود حیوانات زیاد در کشتی و لزوم بار زدن آذوقه بسیار، مناسب‌تر به نظر می‌رسد؛ چرا که اگر قول شش ماه پذیرفته شود، بدین معناست که باید بیست و سه برابر میزان یک هفته، آذوقه در کشتی ذخیره شده باشد که در فضای کم کشتی، مشکل خواهد بود؛ مگر آن که گفته شود با توجه به ساکن بودن افراد و حیوانات و نیاز کمتر به تغذیه، انباشت تغذیه برای شش ماه امکان‌پذیر بوده است. نقل شش ماه به قول تورات نیز نزدیک است.

۲. مکان پهلو گرفتن

قرآن کریم درباره مکان پهلو گرفتن کشتی می‌فرماید:

آب فروکش کرد و ماجرای عذاب تمام شد و کشتی بر جودی نشست.^{۱۰۲}

۹۹. الکافی، ج ۲، ص ۱۲۴؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۴۹.

۱۰۰. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۹؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۴۶.

۱۰۱. المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۶۹؛ جامع البیان، ج ۱۲، ص ۶۱.

۱۰۲. وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. (هود، ۴۴)

در این که منظور از «جودی» چیست؟ دو نظر عمده وجود دارد. برخی آن را هر کوه و زمین محکمی می‌دانند و برخی، نام کوهی مشخص. در هر دو صورت، کشتی نوح بر یک زمین محکم که برای پیاده شدن سرنشینانش آماده بود، پهلو گرفت. حال، این محل از نظر جغرافیایی کجا قرار داشته؟ در پاسخ این پرسش نیز اختلاف نظر وجود دارد. مکان‌های زیر به عنوان محلّ مشخص «جودی» گفته شده‌اند:

یکم. منطقه جزیره عراق واقع در شمال بغداد

به مناطق حدّ فاصل دو رودخانه دجله و فرات تا سر چشمه‌های آنها جزیره گفته می‌شود.^{۱۰۳} شهرهای موصل، آمد، نصیبین، حران، قرقسیا، الانبار و تکریت از جمله مناطق مشهور این سرزمین به شمار می‌آیند. در میان اقوال مربوط به جزیره،^{۱۰۴} مشهورترین قول، «وجود جودی در منطقه موصل» است. در تفاسیر روایی قمی^{۱۰۵} و عیاشی^{۱۰۶} از ائمه علیهم‌السلام نقل شده که «جودی» نام کوهی در منطقه موصل عراق بوده است. مفسران نیز به نقل از کسانی چون مجاهد و ضحاک، محلّ «جودی» را منطقه جزیره و یا موصل دانسته‌اند.^{۱۰۷} بسیاری از جغرافی دانان مسلمان، «جودی» را نام کوهی در نزدیک موصل شمرده‌اند. یاقوت حموی در معجم البلدان آن را کوهی بلند در جزیره «ابن عمر» واقع در ساحل شرقی دجله در منطقه موصل می‌داند و می‌نویسد:

مسجدی را که نوح بر جودی ساخت هنوز هم در روی جودی وجود دارد.^{۱۰۸}

۱۰۳. حدود العالم من المشرق الى المغرب، ص ۱۶۲: القول فی بلاد الجزيرة و مدنها بلاد یحیط بها من جهاتها الاربع نهران هما دجلة و الفرات و لهذا السبب دعیت الجزيرة. در مسالک الممالک اصطخری، ص ۷۱ آمده: و اما الجزيرة فانها ما بین دجلة و الفرات و تشتمل علی ديار ربیعة و مضر و مخرج الفرات من داخل بلد الروم من ملطیة علی یومین و یجری بینها و بین سمیسط و یمز علی سمیسط و جسر منبج و بالس الی الرقة و قرقسیا و الرجبة و هیت و الانبار و قد انقطع حدّ الفرات ممّا یلی الجزيرة ثمّ یعدل حدّ الجزيرة فی سمت الشمال الی تکریت و هی علی دجلة حتّی ینتهی علیها الی السنّ ممّا یلی الجزيرة و الحدیثة و الموصل و جزيرة ابن عمر ثمّ یتجاوز آمد فیقطع حدّ دجلة علی بعد من حدّ ارمینیة ثمّ یمتدّ مغربا الی سمیسط ثمّ ینتهی الی مخرج ماء الفرات فی حدّ الاسلام من حیث ابتدانا و مخرج دجلة فوق آمد من حدّ بلد الارمن و علی شرقی دجلة و غربی الفرات مدن.

۱۰۴. مانند نقل شیخ صدوق در خصال، ص ۵۹۸ به نقل از امیر مؤمنان: «قریة بالجزیره یقال لها ثمانون، منها قعد نوح فی السفینة و استوت علی الجودی.» و مانند قول مجاهد در صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۰۴: «قال مجاهد: الجودی جبل بالجزیره.»

۱۰۵. تفسیر القمی، ج ۱ ص ۳۲۷.

۱۰۶. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۵۰.

۱۰۷. تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۸۰.

۱۰۸. معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۷۹: الجودی یاؤه مشلدة، هو جبل مطل علی جزيرة ابن عمر فی الجانب الشرقي من دجلة من اعمال الموصل، علیه استوت سفینة نوح، لما نضب الماء، و فی التوراة ... و خرج نوح و من معه من السفینة و بنی مسجداً و مذبحاً لله تعالی و قرب قربانا، هذا لفظ تعریب التوراة حرفا حرفا، و مسجد نوح موجود الی الآن بالجودی.

ابو الحسن هروی (م ۶۱۱ق) نیز می‌نویسد:

مرد دیرنشینی را در این کوه دیده که به او قطعه چوب‌هایی را نشان داده و گفته از چوب‌های کشتی نوح هستند.^{۱۰۹}

خزائلی نیز در «اعلام قرآن» می‌نویسد:

کوه جودی در سلسله کوه‌های کاردین است که در شمال شرقی جزیره ابن عمر در مشرق دجله، نزدیک به موصل، واقع است و اکراد آن را به لهجه خود «کارود» و یونانیان «جوردی» و اعراب آن را «جودی» خوانده‌اند. در ترگوم یعنی ترجمه کلدانی تورات و همچنین در ترجمه سریانی تورات، محلّ پهلوی گرفتن کشتی نوح، قلعه کوه اکراد «کاردین» معین شده است.^{۱۱۰}

نقل‌های دیگری نیز درباره منطقه شمالی‌تر از موصل یعنی «آمد» هست که امروزه در خاک ترکیه قرار دارد.

دوم. منطقه کوفه در حاشیه رود فرات

بنا بر روایتی، کشتی، پس از طواف کعبه در مکه، توسط جریان آب به سمت کوفه، بازگردانده شد و در همان محلّی که حرکت را شروع کرده بود (مسجد کوفه) به زمین نشست.^{۱۱۱} بر اساس نقل‌های دیگر، پهلوی گرفتن کشتی، در حومه کوفه یعنی نجف بوده است؛ روایت مفضّل در کافی^{۱۱۲} و نقل فرحة الغری^{۱۱۳} دالّ بر همین است. مرحوم مجلسی نیز می‌نویسد:

از ظاهر روایات، چنین بر می‌آید که «جودی» نزدیک کوفه بوده و برخی نیز به «نجف» اشارت دارند.^{۱۱۴}

۱۰۹. و اجتمعت برجل فی جبل الجودی متدیر به طاعن فی السن، دفع الیّ قطعة من خشب و ذکر أنّها من خشب السفینة، ان صدق، و الله اعلم. (اشارات الی معرفة الزیارات، ص ۶۳)

۱۱۰. اعلام قرآن (خزائلی)، ص ۲۸۱.

۱۱۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۲؛ کامل الزیارات، ص ۸۹.

۱۱۲. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۹؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۴۹.

۱۱۳. فرحة الغری، ص ۷۳.

۱۱۴. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۹؛ یظهر من بعض الاخبار أنّه کان بقرب الکوفة، و ربما اشعر بعضها بأنّه الغری.

سوم. کوه‌های آرارات در مرز سه کشور ترکیه، ارمنستان و ایران

در ترجمه فعلی تورات، محلّ فرود کشتی، این منطقه دانسته شده است.^{۱۱۵} گفته می‌شود در گذشته به این کوه‌ها، «آرارات» اطلاق نمی‌شد و این مارکوپولو بود که در سفرنامه‌اش به اشتباه، «آرارات» موجود در تورات را بر این بخش از کوه‌های ترکیه اطلاق کرد و پس از وی، این نام ماندگار شد؛^{۱۱۶} چنانکه تا قرن پنجم، «ارامنه» در مناطق کوهستانی خود، با نام «جودی» آشنا نبودند. پس از سده پنجم گویا بر اثر اشتباه مترجمان تورات که کوه «اکراد» را کوه آرارات ترجمه کردند برای علمای ارمنی چنین تصویری پیدا شد. اشتباه مترجمان به خاطر آن بود که آشوریان به کوه‌های شمال و جنوب دریاچه «وان» نام «آرارات» یا «آرار تو» داده بودند.^{۱۱۷}

امروزه تبلیغات زیادی پیرامون کشف بقایای کشتی نوح در این منطقه وجود دارد. بر اساس ادعای برخی گروه‌های تحقیقاتی، این بقایا متعلق به کشتی نوح است.^{۱۱۸} برای اثبات این ادعا به تصاویر هوایی از منطقه اکتشافی، جواب آزمایش سنگ‌های این بخش، تخته سنگ‌های سوراخ دار که حکم لنگر کشتی را داشته‌اند، اسکن کشتی کشف شده، بقایای فلزی و ... استناد می‌شود. نکته قابل توجه در گزارش این محققان، همسان بودن اندازه کشتی کشف شده با اندازه‌ای است که در تورات آمده است. با تمام تبلیغاتی که در این زمینه شده، شک و تردیدهایی نسبت بدین کشف وجود دارد و برخی آن را کار تبلیغاتی دولت ترکیه برای جذب گردشگر می‌دانند.

چهارم. نه‌اوند ایران

برخی با توجه به گفته‌های مورخان و جغرافی‌دانان در وجه تسمیه شهر «نه‌اوند»، ارتفاعات حومه این شهر را، محلّ پهلو گرفتن کشتی دانسته‌اند.^{۱۱۹} بر اساس برخی نقل‌ها، «نه‌اوند» در اصل «نوح آوند» بوده بدین معنی که حضرت نوح علیه السلام آن را بنا کرده و به تدریج به صورت «نه‌اوند» تلفظ شده است. با توجه به روایات مشهور در مورد ساخت نخستین آبادی توسط حضرت نوح علیه السلام در محلّ فرود آمدن کشتی، چنین استدلال شده که وقتی «نه‌اوند» را نوح علیه السلام ساخته باشد، پس این شهر، همان نخستین آبادی است و در نتیجه، کشتی نیز در این منطقه، پهلو گرفته است. این درحالی است که

۱۱۵. و روز هفدهم از ماه هفتم، کشتی بر کوه‌های آرارات قرار گرفت. (تورات، سفر پیدایش، داستان نوح)

۱۱۶. روزنامه کیهان، مورخه ۱۳۸۵/۹/۱۸، ص ۱۵.

۱۱۷. اعلام قرآن (خزائلی)، ص ۲۸۱.

۱۱۸. مقاله دکتر «جانانان گری» باستان‌شناس استرالیایی در ضمیمه روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۵ و ۱۶ شهریور ۱۳۷۸.

۱۱۹. مانند البلدان، ابن قتیبه همدانی (م ۲۹۰ق)، ص ۵۲۷؛ معجم البلدان، یاقوت حموی (م ۶۲۴ق)، ج ۵، ص ۳۱۳؛ تقویم البلدان،

ابی‌الفداء (م ۷۳۲ق)، ص ۴۱۷.

در آن روایات، نام آن آبادی به اعتبار هشتاد نفر مسافر کشتی، «ثمانین» نام گرفته و ادعا می‌شود در منطقه موصل، آبادی با این عنوان وجود دارد.

در یکی از فصلنامه‌های ایران، مقاله‌ای در اثبات اینکه نهبوند محلّ فرود کشتی بوده، شواهدی ارائه شده است.^{۱۲۰} دو گروه تحقیقاتی آمریکایی و انگلیسی نیز از محلّ ادعایی بازدید کرده و به نتایجی رسیده‌اند؛ اما بازتاب چندانی نداشته است.

پنجم. مکان‌های دیگر

برخی ادعا کرده‌اند که کوه «جودی» و سلسله جبال «آرارات» که در تورات آمده، ارتفاعات چهار هزار متری سلیمان در رشته کوه البرز است.^{۱۲۱} این ادعا در دهه‌های اخیر مطرح شده و صاحبان آن شواهدی برای ادعای خویش ارائه کرده‌اند که تاکنون مورد توجه محافل علمی قرار نگرفته است.

بر اساس برخی نقل‌های دیگر، محلّ فرود آمدن کشتی، شام، یمن و عربستان بوده است. این اقوال چندان مورد توجه صاحب نظران، قرار نگرفته است.

در مجموع، کشورهای ترکیه، عراق، ایران، سوریه، یمن و حتی آذربایجان مدّعی هستند که کشتی نوح در آن جا آرام گرفته است.

در برخی روایات به تواضع کوه «جودی» به هنگام فرود آمدن کشتی و تکبّر و بالا کشیدن دیگر کوه‌ها اشاره شده و تأکید شده که به همین دلیل، خداوند، کشتی را بر شانه این کوه فرود آورد.^{۱۲۲} این تعبیر نشان می‌دهد که این کوه چندان بلند نبوده است. با توجه به این روایات، می‌توان گفت قول اوّل یعنی کوه‌های اطراف موصل تناسب بیشتری با این مضمون دارد؛ چرا که کوه‌های آرارات و البرز و زاگرس ایران بسیار بلندتر از کوه‌های اطراف موصل هستند.
در آیه شریفه ۲۹ سوره مؤمنون آمده:

وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ.

و بگو پروردگارا ما را در منزل گاهی مبارک فرود آور و تو بهترین فرودآوردندگانی.

بر پایه این آیه، مکان فرود کشتی، محلّ با برکتی بوده است. قرآن کریم خود از منطقه شامات به عنوان سرزمین مبارک یاد کرده است. در بین مناطق یاد شده برای محلّ فرود کشتی، منطقه

۱۲۰. نوح و نوح آوند، فصلنامه فرهنگیان، ش ۵.

۱۲۱. سایت خبرگزاری میراث فرهنگی ایران، مورخه ۱۳۸۵ / ۴ / ۱۵، به نقل از مجله نشنال جئوگرافی.

۱۲۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۲۴؛ تفسیر العیاشی، ج ۲ ص ۱۴۹.

موصل از حیث آب و هوا بیش از همه به منطقه شامات شباهت دارد خصوصا آنکه دارای دو بهار است. البته بر این اساس، نقل شام را نیز می‌توان، قابل اعتنا دانست.

۳. روز پهلوگرفتن

برخی نقل‌ها، روز پهلوگرفتن کشتی را مصادف با روز عاشورا شمرده‌اند.^{۱۲۳} شیخ صدوق از میثم تمّار، گفتاری را نقل کرده که این سخن را از جعلیات بنی امیه در برابر قول حق یعنی هجدهم ذی حجه می‌داند.^{۱۲۴} در روایتی نیز این روز مصادف با نوروز دانسته شده است.^{۱۲۵} تعیین تاریخ در این جا نیز اشکال پیش گفته در روز حرکت کشتی را دارد. البته در قول آخر اگر نوروز به را به معنای لغوی آن یعنی آغاز دوران جدید بدانیم، اشکال برطرف می‌شود.

ح) اسباب نجات کشتی

در متون روایی، امور ذیل، به عنوان اسباب نجات اهل کشتی از غرق، بیان شده است:

- تقوای مسافران کشتی: گذشت که قرآن کریم، نجات یافتگان را اهل ایمان و احسان دانسته بود.^{۱۲۶} این آیات، با روایاتی که تقوای مسافران را عامل نجات آنان دانسته، همخوانی دارد.
- واسطه قرار دادن معصومان علیهم السلام: در برخی از متون روایی آمده که مسافران کشتی ذیل تعلیمات الهی به اهل بیت علیهم السلام توسّل کرده و اینگونه دعا نمودند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لِمَا أَنْجَيْتَنِي مِنَ
الْغَرَقِ. ۱۲۷

- ذکر لا اله الا الله: در برخی از روایات، ذکر تهلیل، عامل نجات مسافران کشتی دانسته شده است.^{۱۲۸}

این نقل‌ها با یکدیگر قابل جمعند؛ چرا که ممکن است همه این اینها با هم بوده باشد.

۱۲۳. این نقل‌ها، علاوه بر منابع اهل سنت، در تهذیب الاحکام شیخ طوسی، ج ۴، ص ۳۰۰ نیز آمده است.

۱۲۴. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۲۷.

۱۲۵. عوالی الالهی، ج ۳، ص ۴۱.

۱۲۶. الکافی، ج ۸، ص ۱۵۲.

۱۲۷. امالی صدوق، ص ۲۸۷؛ قصص الانبیاء للراوندی، ص ۱۰۹.

۱۲۸. الخصال، ص ۳۳۵؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۰.

نتیجه

مرور آیات قرآن کریم و روایات رسیده درباره کشتی نوح، نشان می‌دهد همان گونه که «توفان نوح» نمادی برای سرنوشت گمراهان سرکش و لجوج است و مایه عبرت خردمندان، کشتی نوح نیز نمادی است برای رهایی از گمراهی و نجات از بدفرجامی. حقیقت دیگری که از داستان کشتی نجات در قرآن کریم برداشت می‌شود آن است که جزئیات داستان حضرت نوح علیه السلام و قومش و ساخت کشتی و نجات اهل ایمان از توفان، تا آن جا که به انتقال بهتر پیام یعنی پذیرش حق و ندای هدایت برای نجات از گمراهی و بدفرجامی، کمک کند ارزش توجه دارد؛ اما آنچه زائد بر این است و در منابع تاریخی یا اسرائیلیات با شاخ و برگ دادن به داستان، بیان شده، اهمیتی ندارد و باید از گرفتار شدن در پیچ و تاب آنها پرهیز کرد. انعکاس مقداری از اطلاعات پیرامونی در خصوص کشتی حضرت نوح علیه السلام از سوی معصومان علیهم السلام، در راستای پاسخگویی به پرسش‌های مخاطبان و زدودن غبار تحریفات و کنار زدن پرده ابهامات و شائبه‌های ناروا بوده است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. اخبار الزمان، مسعودی، تحقیق دار الاندلس، بیروت، دار الاندلس، دوم، ۱۹۶۶م.
۳. الاشارات الی معرفة الزیارات، علی بن ابی بکر بن علی الیهروی، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، اول، ۱۴۲۳ق.
۴. إعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۹۰ق.
۵. أعلام قرآن، محمد خزائی، تهران، نشر امیر کبیر، ۱۳۷۱ش.
۶. الامان من اخطار الاسفار، علی بن موسی بن جعفر ابن طاووس، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
۷. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۸. بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، تحقیق محسن بن عباسعلی کوجه باغی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، دوم، ۱۴۰۴ق.
۹. تاریخ الطبری، محمد بن جریر طبری، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ق.
۱۰. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۱. التبیان فب تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، تحقیق احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول.
۱۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، اول، ۱۳۸۰ق.

۱۳. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق سیّد طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب، سوم، ۱۳۶۳ش.
۱۴. تفسیر عبد الرزاق، ابو بکر عبد الرزاق بن همام صنعانی، تحقیق محمود محمّد عبده، بیروت، دار الکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۹ق.
۱۵. تهذیب الاحکام، محمّد بن حسن طوسی، تحقیق سیّد حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۶. جامع البیان عن تأویل آی القرآن (تفسیر الطبری)، محمّد بن جریر طبری، مکّه، دار التریب و التراث.
۱۷. حدود العالم من المشرق الی المغرب، مجهول، تحقیق و ترجمه سیّد یوسف الهادی، قاهره، الدار الثقافیة، ۱۴۲۳.
۱۸. الخصال، محمّد بن علی ابن بابویه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرّسین، اول، ۱۳۶۲ش.
۱۹. الدرّ المنثور فی التفسیر بالمأثور، عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، اول، ۱۴۰۴ق.
۲۰. زاد المسیر فی علم التفسیر، عبد الرحمن بن علی جوزی، تحقیق محمّد بن عبد الرحمن عبد الله، بیروت، دار الفکر، اول، ۱۴۰۷ق.
۲۱. علل الشرائع، محمّد بن علی ابن بابویه، قم، کتابفروشی داوری، اول، ۱۳۸۵ش.
۲۲. عوالی اللالی، ابن ابی جمهور احسائی، تحقیق مجتبی عراقی، قم، دار سیّد الشهداء، اول، ۱۴۰۵ق.
۲۳. الغیبة للطوسی، محمّد بن حسن طوسی، تحقیق عباد الله و ناصح تهرانی، قم، دار المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.
۲۴. الغیبة للنعمانی، محمّد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، اول، ۱۳۹۷ق.
۲۵. فرحة الغری، عبد الکریم بن احمد ابن طاووس، قم، منشورات الرضی، اول.
۲۶. قصص الانبیاء للراوندی، قطب الدین راوندی، تحقیق غلامرضا عرفانیان یزدی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، اول، ۱۴۰۹ق.
۲۷. کمال الدین، شیخ صدوق محمّد بن علی ابن بابویه، تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳ش.
۲۸. الکافی، محمّد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمّد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۹. کامل الزیارات، جعفر بن محمّد بن قولویه، تحقیق جواد قیومی، قم، نشر الفقاهة، اول، ۱۴۱۷ق.

۳۰. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تحقیق فضل الله یزدی طباطبائی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲.
۳۱. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، تحقیق جلال الدین محدث ارموی، قم، دار الکتب الاسلامیة، دوم، ۱۳۷۱ق.
۳۲. المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، ابو محمد عبد الحق ابن عطیة اندلسی، تحقیق عبد السلام عبد الشافی، بیروت، دار الکتب العلمیة، اول، ۱۴۲۲.
۳۳. المسالك و الممالك، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری، بیروت، دار صادر، ۲۰۰۴م.
۳۴. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۰۳ق.
۳۵. معجم البلدان، یاقوت حموی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۷۹م.
۳۶. المعجم الكبير، ابو القاسم سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق حمدی عبد المجید سلفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۹۸۵م.
۳۷. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
۳۸. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، دوم، ۱۳۹۰ق.
۳۹. نوادر المعجزات، محمد بن جریر بن رستم طبری، تحقیق باسم محمد اسدی، قم، دلیل ما، اول، ۱۴۲۷ق.
۴۰. روزنامه اطلاعات، تهران، مؤسسه اطلاعات، مقاله دکتر جانانان گری باستان شناس استرالیایی، مورخ ۱۵ و ۱۶ شهریور ۱۳۷۸.
۴۱. روزنامه کیهان، تهران، مؤسسه کیهان، مورخه ۱۳۸۵/۹/۱۸.
۴۲. مقاله توفان نوح در اساطیر بین النهرین و تورات، سید حسن حسینی (أصف)، مجله هفت آسمان، ش ۶.
۴۳. مقاله نوح و نوح آوند، علی اکبر افراسیاب پور، فصلنامه فرهنگان، ش ۵، پاییز ۱۳۷۹ش.
۴۴. سایت خبرگزاری میراث فرهنگی ایران، مورخه ۱۳۸۵/۴/۱۵.